

## ترور دانشمندان هسته‌ای ایران؛ عاملان، انگیزه‌ها و اهداف

سیدعلی نجات، پژوهشگر مسائل خاورمیانه و مدرس دانشگاه

چکیده

دستیابی به انرژی هسته‌ای فارغ از امکانات و تسهیلاتی که ایجاد کند، می‌تواند زمینه را برای افزایش پرستیژ بین‌المللی و برخورداری از جایگاه ویژه منطقه‌ای مهیا کند. به همین دلیل است که دولت‌هایی که امنیت خود را به واسطه دستیابی رقیبان خویش به دانش هسته‌ای در خطر می‌بینند، می‌کوشند تا رقیبان را از طریق راه‌ها و روش‌های مختلف از دستیابی به انرژی هسته‌ای بازدارند. تجربه تاریخی اقدامات این بازیگران نشان می‌دهد که معمولاً این دولت‌ها دو راه را در پیش می‌گیرند. راه نخست تطمیع و دعوت به همکاری است. این امر در چارچوب دعوت از دانشمندان هسته‌ای کشورهای برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی با هزینه‌های مناسب و اعطای کرسی ویژه به این دانشمندان است. اما راه دوم که معمولاً بیش از اولی در پیش گرفته می‌شود، راه ترور و حذف این دانشمندان است. این راه بیشتر توسط بازیگرانی پیگیری می‌شوند که امنیت وجودی خود را در خطر می‌بینند و در آن می‌کوشند تا ضمن رصدکردن دانشمندان کشور هدف، آن‌ها را به «سیبل متحرک» تبدیل کرده و سپس آن‌ها را در یک عملیات پیچیده حذف کنند. در همین راستا، نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی سعی در پاسخ‌گویی به دو پرسش به هم پیوسته دارد. نخست ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط کدام دولت‌ها و با همکاری کدامین سازمان‌ها صورت گرفته است؟ دوم آنکه انگیزه و اهداف این بازیگران از ترور دانشمندان و نخبگان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چیست؟ پاسخ این دو پرسش و در واقع فرضیه نوشتار این است که اقدامات صورت گرفته علیه دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط دستگاه اطلاعاتی موساد اسرائیل با همکاری سازمان سیا به منظور ترور و حذف دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با پیشرفت هسته‌ای کشورمان صورت گرفته است.

کلمات کلیدی: انرژی هسته‌ای؛ زندگی‌نامه شهیدان انرژی هسته‌ای؛ ترور؛ موساد؛ سیا؛ مجاهدین خلق.

## مقدمه

با توجه به این مطلب که دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای پروژه و پرونده ملی و تاریخی است، ایران به دلیل تأمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی، تأثیرگذاری بر محیط منطقه‌ای و جهانی، بازدارندگی و موازنه قدرت در منطقه، کسب پرستیژ بین‌المللی، کاهش هزینه‌های نظامی و مزیت‌های جانبی فناوری هسته‌ای، خود را ملزم به دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای می‌بیند.

به‌همین دلیل است که دولتهایی که امنیت خود را به واسطه دستیابی رقیبان به دانش هسته‌ای در خطر می‌بینند، می‌کوشند تا رقیبان را به لطایف‌الحیل از دستیابی به انرژی هسته‌ای بازدارند. تجربه تاریخی اقدامات این بازیگران نشان می‌دهد که معمولاً این دولت‌ها دو راه را در پیش می‌گیرند. راه اول تطمیع و دعوت به همکاری است. این امر در چارچوب دعوت از دانشمندان هسته‌ای کشورها برای انجام پروژه‌های تحقیقاتی با هزینه‌های مناسب و اعطای کرسی ویژه به این دانشمندان است. حتی برخی از این دانشمندان در سیر صعودی مراتب اداری مراکز هسته‌ای قرار می‌گیرند و می‌توانند به تدریج به مدارج عالی مدیریتی دست یابند. اما راه دوم که معمولاً بیش از اولی در پیش گرفته می‌شود راه ترور و حذف این دانشمندان است. این راه معمولاً توسط بازیگرانی که امنیت وجودی خود را در خطر می‌بینند پیگیری می‌شود و در آن می‌کوشند تا ضمن رصد کردن دانشمندان کشور هدف، آن‌ها را به «سیبل متحرک» تبدیل کرده و سپس آن‌ها را در عملیاتی پیچیده حذف کنند (مدنی، 1389).

به‌همین دلیل طی سال‌های گذشته با فعالیت‌های هسته‌ای ایران همواره از سوی کشورهای غربی و سازمان‌های بین‌المللی مخالف شده است و قدرت‌های غربی درصدد محروم کردن ایران از فناوری هسته‌ای برآمده‌اند. درواقع ترس رژیم صهیونیستی و آمریکا از هسته‌ای شدن ایران تاحدی است که با رو آوردن به ترور و از بین بردن گنجینه‌های علمی انرژی اتمی قصد دارند تا پیشرفت‌های ایران را متوقف کنند. رژیم نامشروع اسرائیل با این توجیه که ایران برای کسب موازنه با اسرائیل قصد ساخت سلاح‌های هسته‌ای را دارد شروع به تبلیغات علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران کرده است و خواهان توقف برنامه هسته‌ای حتی با استفاده از زور است؛ زیرا درغیراین صورت توازن منطقه به هم خواهد خورد و با قواعد بازی جدیدی در منطقه مواجه خواهد شد و برتری استراتژیک خود که طی دهه‌های گذشته در قبال کشورهای اسلامی و عربی داشته است را از دست خواهد داد.

درهمین راستا، نوشتار حاضر با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی سعی در پاسخ‌گویی به دو پرسش به‌هم‌پیوسته دارد. نخست، ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط کدام دولت‌ها و با همکاری کدام سازمان‌ها صورت گرفته است؟ دوم آنکه انگیزه‌ها و اهداف این بازیگران از ترور دانشمندان و نخبگان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران چیست؟ پاسخ این دو پرسش و درواقع فرضیه نوشتار این است که اقدامات صورت گرفته علیه دانشمندان هسته‌ای توسط دستگاه اطلاعاتی موساد اسرائیل با همکاری سازمان سیا به‌منظور از بین بردن دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های گذشته صورت گرفته است.

## برنامه هسته‌ای ایران

نخستین تلاش‌های بلندپروازانه ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای به دهه 1950 میلادی بازمی‌گردد. در راستای روابط ویژه‌ای که رژیم پهلوی با ایالات متحده برقرار کرده بود، در سال 1958 به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) درآمد. همچنین در اول جولای 1968، پیمان تکثیر نکردن سلاح‌های هسته‌ای (NPT) را پذیرفت و در 5 مارس 1970، آن را در مجلس شورای ملی به تصویب رساند.

مرکز تحقیقات هسته‌ای تهران (TNRC) در سال 1967 و سازمان انرژی اتمی ایران (AEOI) در سال 1974 تأسیس شدند. سازمان انرژی اتمی ایران عهده‌دار ساخت 4 نیروگاه در بوشهر و دارخوین، ایجاد تأسیسات آب شیرین در بوشهر، تأمین سوخت و پشتیبانی تکنولوژیکی از نیروگاه‌ها و قرارداد ساخت 4 نیروگاه دیگر در اصفهان و استان مرکزی شد. هم‌زمان با این تحولات، نخست دانشگاه تهران و سپس دانشگاه شیراز نیز در زمینه فناوری هسته‌ای به تربیت دانشجو در رشته مهندسی هسته‌ای پرداختند.

سازمان انرژی هسته‌ای ایران که جهت دستیابی به اهداف مذکور، مذاکره با شرکت‌های آمریکایی، فرانسوی و آلمانی را از اوایل دهه 1970 آغاز کرده بود، در سال 1974، طی قراردادی با بنیاد پژوهشی استنفورد آمریکا به توافقی در خصوص تولید 20 هزار مگاوات برق تا سال 1995 از طریق تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای در ایران دست یافت. در این دوران که کشورهای غربی برای ارائه چرخه سوخت هسته‌ای به ایران با یکدیگر به رقابت برخاسته بودند، موفق به عقد قراردادهایی از طریق شرکت‌هایی نظیر زیمنس، یورودیف، کرافت ورک یونیون و... شدند؛ اما در نهایت با وقوع انقلاب و سرنگونی شاه، تحقیقات و فعالیت‌های هسته‌ای ایران با تغییرات بسیار مواجه شد.

اگرچه در جریان انقلاب اسلامی عضویت ایران در آژانس و پایبندی به (NPT) و قرارداد پادمان همچنان حفظ شد، اما برنامه‌های هسته‌ای به دلایلی همچون بی‌تعمیلی دولت به ادامه فعالیت‌ها، سربازدن شرکت‌های خارجی از تکمیل نیروگاه‌ها بر مبنای قراردادهای، آغاز جنگ تحمیلی و... به دست فراموشی سپرده شد.

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال‌های 1987 و 1988 بازسازی رآکتورهای سایت یک و دو بوشهر که در جریان حملات هوایی عراق آسیب دیده بود، از سر گرفته شد. هنگامی که شرکت کرافت ورک (Kraftwerk) زیر فشارهای آمریکا از اتمام نیروگاه بوشهر سرباز زد، کنسرسیومی مرکب از شرکت‌های آرژانتینی، آلمانی و اسپانیایی در اواخر 1980 آمادگی خود را برای اتمام نیروگاه بوشهر اعلام کردند که طرح آن‌ها نیز با فشارهای ایالات متحده ناموفق ماند (بهمن، 1386).

در تمامی این ایام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بر فعالیت‌های ایران نظارت کامل داشت و حتی آمادگی خود را جهت تبدیل «کیک زرد» به سوخت رآکتور به ایران نیز اعلام کرد که البته این طرح نیز تحت فشار ایالات متحده در حد یک پیشنهاد باقی ماند.

در شرایطی که ایران به فعالیت‌های هسته‌ای خود تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه می‌داد، منابع غربی بارها به انتشار خبرهای ضدونقیضی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران پرداختند. آن‌ها یک‌بار در سال 1984 خبرهای مبتنی بر مذاکرات ایران با نیجریه جهت خرید اورانیوم را به خبرهای مبتنی بر تولید بمب اتمی از سوی ایران مبدل کردند و بار دیگر در سال 1991 ایران را متهم به خریداری چهار کلاهک هسته‌ای از کشور قزاقستان و... کردند.

به ترتیب، پس از فراز و نشیب‌های بسیار میان تهران، شرکت‌های اروپایی و حتی چین برای اتمام نیروگاه هسته‌ای بوشهر، سرانجام ایران در سال 1995 به توافقی با روسیه برای تکمیل این نیروگاه دست یافت. اگرچه در سال 1995 دولت کلینتون، روسیه را تحت فشار قرار داد تا قرارداد ساخت سانتریفوژ گازی اورانیوم غنی‌شده را به هم بزند و همکاری‌های دیگر خود را در زمینه ساخت مجتمع هسته‌ای بوشهر محدود کند، اما نه تنها موفق به تغییر رفتار روسیه و بازداشتن این کشور از ادامه همکاری‌ها با ایران نشد، بلکه روسیه با اضافه کردن 5 راکتور دیگر به نیروگاه هسته‌ای بوشهر گامی فراتر از خواسته‌های واشنگتن نیز برداشت.

در این بین، جمهوری اسلامی ایران نیز در فوریه 2001 و در پی گزارشی که از سوی غلامرضا آقازاده، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارسال شد، رسماً به همکاری‌های بیشتر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل متحد، پاسخ مثبت داد. در شرایطی که در سال 1992، بازرسان آژانس از معادن اورانیوم ایران دیدن می‌کردند و در جریان کامل فعالیت‌های ایران درباره پایه‌گذاری چرخه کامل سوخت هسته‌ای قرار داشتند، فرافکنی‌های غرب سرانجام در 14 اگوست 2002، نتیجه داد. در این زمان دو تن از افراد گروهک منافقین در واشنگتن در کنفرانسی مطبوعاتی به انتشار اخبار و عکس‌هایی مبنی بر تأسیس دو سایت هسته‌ای از سوی ایران با توانایی تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی پرداختند و تأسیسات هسته‌ای نطنز و اراک را طرحی برای غنی‌سازی اورانیوم و پلوتونیوم معرفی کردند. از این پس بود که نگاه جهانیان بیش از پیش به مسئله هسته‌ای ایران معطوف شد و تأسیسات آب سنگین اراک و غنی‌سازی اورانیوم نطنز به عنوان صحت ادعای کاخ سفید مبنی بر پیروی تهران از سیاستی در جهت دستیابی به تسلیحات اتمی تلقی گردید.

اگرچه از آن زمان تاکنون تهران همواره بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای خود با هدف کسب انرژی تأکید داشته، اما از سوی ایالات متحده و متحدان آن، همواره متهم به غیر صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای‌اش شده است. ایالات متحده و متحدانش با طرح مسائلی همچون پنهان‌کاری ایران از فعالیت‌های هسته‌ای در اراک و نطنز، وجود منابع سرشار انرژی در ایران و تعهد روسیه به تأمین سوخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر، تلاش‌های ایران را در جهت گسترش و ادامه فعالیت‌های هسته‌ای، غیر صلح‌آمیز خواندند (بهمن، 1386).

آمریکا که خواستار ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل بود، با نرمش سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان جهت حل و فصل دیپلماتیک مسئله روبه‌رو شد. از این رو مذاکرات دیپلماتیک میان تهران و سه کشور اروپایی آغاز شد و ایران در 21 نوامبر سال 2003 اعلام به امضای پروتکل الحاقی کرد. اما انتقال جریان مذاکرات از چارچوب حقوقی و فنی به میدان مشاجرات سیاسی پس از موافقت‌نامه‌های پاریس و سعدآباد حاکی از آن بود که عملاً جنبه حقوقی موضوع به سایه رانده شده است و ایفای تعهدات پیش‌بینی شده در موافقت‌نامه پاریس اولویت خاص خود را پیدا کرده و نقض این تعهدات، دلایل کافی را برای ارجاع پرونده به شورای امنیت فراهم خواهد ساخت.

اروپایی‌ها که پیش از این، امضای پروتکل الحاقی از سوی ایران را تضمینی محکم می‌دانستند، عملاً در توافقت‌نامه پاریس نشان دادند که تنها به تعلیق تمامی فعالیت‌های اتمی ایران از جمله فعالیت‌های تحقیقاتی رضایت خواهند داد. در شرایطی که تعهد داوطلبانه سعدآباد حکایت از پذیرش تعهداتی از سوی سه کشور اروپایی شرکت‌کننده در نشست تهران داشت؛ وزرای خارجه

آلمان، فرانسه و انگلیس هیچ‌گونه تعهدی را بر عهده نگرفتند و الحاق کامل و بدون قید و شرط ایران به پروتکل را شرط بررسی چگونگی انجام و پیگیری همکاری با تهران قرار دادند.

درواقع، مراحل تعلیق در سعدآباد، بروکسل و پاریس، حکایت از اجرای تدریجی «دکترین برچیدن» (Rollback Doctrine) داشت که در تضاد کامل با منافع ملی ایران قرار می‌گرفت. از این رو تصویب قطع‌نامه‌ای علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی اتمی، نشان از بی‌اعتمادی آمریکا و اروپا نسبت به تعلیق کامل غنی‌سازی اورانیوم براساس توافق پاریس داشت و به ایرانیان ثابت کرد که توافق پاریس نمی‌تواند موجب تغییر رفتار غرب در قبال چرخه تولید سوخت هسته‌ای ایران باشد. اگر تا این زمان میان اروپا و آمریکا در روش‌های دستیابی به اهداف تفاوت‌هایی وجود داشت، از این پس مشخص شد که هدف اروپا از توافق پاریس صرفاً ائتلاف وقت در راستای برچیدن چرخه تولید سوخت هسته‌ای ایران است. در واقع، تهران متوجه شد که از یک سو آمریکا نوک تیز حملات خود را متوجه ایران کرده و از سوی دیگر اروپا نیز در یک نظام تک‌قطبی خواهان همکاری نزدیکی با ایالات متحده آمریکا است.

بدین ترتیب، رفع تعلیق ایران از مرکز (UCF) اصفهان باعث موضع‌گیری و قطع مذاکرات رسمی میان ایران و سه کشور اروپایی شد. این تصمیم پس از آن اتخاذ شد که اروپا در پیشنهاد مصالحه هسته‌ای خود به تهران بر حق ایران بر غنی‌سازی اورانیوم با مقاصد صلح‌آمیز، زیر نظر آژانس و با تضمین‌های لازم برای انحراف به سمت تولید سلاح هسته‌ای اذعان نکرد و خواهان بهره‌مندی ایران از مشوق‌های اقتصادی در برابر برچیدن چرخه سوخت و کنارنهادن حق استراتژیک و حساس کشور در این زمینه شد.

بدین ترتیب، جریان مذاکرات بعد از موافقت‌نامه پاریس با موانع و مشکلاتی مواجه شد. از یک سو اروپایی‌ها رویه تأخیر را در پیش گرفتند و از سوی دیگر جریان‌های سیاسی داخلی ایران از جمله انتخابات ریاست‌جمهوری و نتایج احتمالی آن، به تعلیق مذاکرات کمک کرد.

با انتخاب محمود احمدی‌نژاد به سمت ریاست‌جمهوری، از روند مذاکرات پیشین نیز انتقاد شد. با این اوصاف مناقشه همچنان ادامه یافت و ایران پس از آغاز به کار مرکز (UCF) اصفهان، به راه‌اندازی مراکز دیگر نیز مبادرت ورزید و در نهایت در 20 فروردین 1385 محمود احمدی‌نژاد خبر دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای و ورود ایران به باشگاه هسته‌ای جهان را اعلام کرد.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز که از سال 2002 تا سپتامبر 2005 شش قطع‌نامه متوالی با اجماع صادر کرده بود و در همگی آن‌ها از ایران خواسته بود که هر نوع فعالیت اتمی را متوقف کند، در فاصله سپتامبر 2005 تا فوریه 2006 دو قطع‌نامه دیگر نیز علیه ایران صادر کرد که اگرچه جلوگیری از فعالیت‌های هسته‌ای ایران را دنبال می‌کرد اما تهدیدهای بیشتری را نیز متوجه جمهوری اسلامی می‌کرد (بهمن، 1386).

بدین ترتیب، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحت تأثیر چند قدرت اروپایی و نفوذ ایالات متحده آمریکا، براساس بند 7 منشور سازمان ملل، ایران را به عنوان عامل بی‌ثباتی در صلح و امنیت بین‌المللی شناخت و پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داد تا بحث بر سر چگونگی برخورد با ایران پیش آید.

در این بین گروه 5+1 طی پیشنهادی بسته‌ای حاوی مشوق‌ها و مجازات‌ها را به ایران ارائه داد که در نهایت مقبول ایران واقع نشد. در مجموعه پیشنهادی اروپا از ایران خواسته شده بود تا همه عملیات مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری را طبق درخواست

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد به حال تعلیق درآورد و متعهد گردد که این وضعیت را در طول مذاکرات آتی ادامه خواهد داد و همچنین اجرای پروتکل الحاقی را از سر گیرد. در مقابل این درخواست، اروپایی‌ها نیز وعده‌هایی مبنی بر بهبود دسترسی ایران به اقتصاد بین‌المللی، بازارها و سرمایه‌ها، از طریق حمایت عملی از جذب ایران در ساختارهای بین‌المللی شامل تجارت جهانی و ایجاد چارچوبی برای سرمایه‌گذاری مستقیم بیشتر در ایران و تجارت با ایران (از جمله موافقتنامه تجارت و همکاری اقتصادی با اتحادیه اروپا) می‌دادند. به‌هرحال، دولت ایران در پاسخ به بسته پیشنهادی اروپا، امکان تعلیق فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی را منوط به توقف رسیدگی پرونده اتمی ایران در شورای امنیت و عادی‌سازی آن در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دانست.

وقایع فوق در حالی در جریان بود که پیش‌تر مقام‌های آمریکایی اعلام کرده بودند که در صورت متوقف‌نشدن فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی یا بی‌نتیجه‌ماندن گفتگوهای ایران و اروپا، به‌سرعت موضوع تحریم ایران در شورای امنیت را پیگیری خواهند کرد. بدین ترتیب، غرب با اعمال پیش‌شرط توقف غنی‌سازی، از یک‌سو ایرانیان را به میز مذاکره فرا می‌خواند و از سوی دیگر ممانعت تهران از قبول پیش‌شرط را موجب انتقال پرونده ایران به شورای امنیت می‌دانستند.

## عاملان ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

تروریسم در فرهنگ‌های لغت چنین معنا شده است: عقیده به لزوم آدم‌کشی و ایجاد وحشت در بین مردم یا سیستم فکری که هر نوع عملی را برای رسیدن به اهداف سیاسی جایز می‌داند. در منابع و مآخذ فرهنگ علوم سیاسی، ترور و مشتقات آن را این‌گونه معنا می‌کنند: تروریسم که از ریشه لاتین «terror» به معنای ترس و وحشت گرفته شده است، به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که از راه ایجاد ترس و وحشت و به‌کار بستن زور می‌خواهد به هدف سیاسی خود برسد. تروریسم فعالیت‌های عاملان دولتی یا غیردولتی است که در کوشش‌هایشان برای دستیابی به اهداف سیاسی از روش‌ها و وسایل خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند. شیوه‌های به‌کاربرده شده از طرف تروریست‌ها عبارت‌اند از: هواپیماربایی؛ گروگان‌گیری؛ خراب‌کاری؛ بمب‌گذاری؛ بانک‌زنی؛ آدم‌ربایی سیاسی؛ ترور و آدم‌کشی.

به‌هرحال، با انتشار اخبار پیاپی از فعالیت‌های هسته‌ای در ایران و پس از دامنه‌دارشدن اختلافات میان ایران و نهادهای بین‌المللی نظیر شورای امنیت سازمان ملل متحد که منجر به صدور چندین قطع‌نامه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی شد، تحریم‌های وسیعی علیه ایران از طرف سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه اروپا و سایر کشورهای جهان علیه ایران اجرا شد. در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران تنها هدف خود از غنی‌سازی اورانیوم را تولید سوخت اتمی لازم برای نیروگاه‌های اتمی و مصارف صلح‌آمیز عنوان کرده است، غرب و در صدر آن ایالات متحده آمریکا، هدف از تصویب تحریم‌ها علیه ایران را واداشتن این کشور به متوقف‌ساختن غنی‌سازی اورانیوم قرار داده است.

اسرائیلی‌ها و دولت‌مردان آمریکایی بر این امر متفق‌القول هستند که در صورت دستیابی ایران به ساخت سلاح‌های اتمی، اسرائیل اولین هدف حمله ایران خواهد بود. به‌گفته کارشناسان اطلاعاتی آمریکا، اسرائیل جهت آسیب‌زدن و به‌تأخیرانداختن

برنامه هسته‌ای ایران از جاسوس‌های دوجانبه و شرکت‌هایی صوری جهت نفوذ به شبکه خرید فعالیت‌های هسته‌ای ایران استفاده کرده است. همچنین اسرائیل با استخدام آدمکش‌ها و قتل دانشمندان هسته‌ای ایران در جهت کاهش استعدادها فنی فعال ایران اقدام کرده است.

دولت اسرائیل معتقد است که در صورت دستیابی جمهوری اسلامی ایران به ساخت سلاح‌های اتمی، موجودیت کشور یهود در خطر جدی قرار خواهد گرفت و این کشور اولین هدف حمله احتمالی اتمی ایران خواهد بود. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر کنونی اسرائیل که از وی به‌عنوان یکی از موافقان «حمله پیش‌گیرانه» اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران یاد می‌شود، بارها در سخنرانی‌های رسمی تأکید کرده است که «همه خطرها در مقایسه با خطر ناشی از هسته‌ای شدن ایران کوچک و بی‌اهمیت است.» در حالی که دولت ایران بارها تأکید کرده است که برنامه هسته‌ای این کشور برای مصارف صلح‌آمیز مانند تولید انرژی و مسائل پزشکی است و در پی ساخت سلاح اتمی نیست.

بنی گنتز، رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل، یک روز پیش از ترور شهید احمدی‌روشن در نشستی سری با اعضای کنست اسرائیل گفت: «سال 2012، سال غافل‌گیرکننده‌ای برای ایران خواهد بود و اتفاقات غیرطبیعی بیشتری برای ایران رخ خواهد داد» (<http://www.jpost.com>).

پس از انجام ترور، رسانه‌های اسرائیل فاش کردند که این ترور توسط کیدون، دیارتمان رسمی ترور و آدم‌ربایی موساد، انجام شده است (<http://www.alahednews.com.lb>).

روزنامه فرانسوی لوفیگارو نیز کمتر از یک هفته پیش از وقوع ترور، در خبری به‌نقل از خبرگزاری جورازلم‌پست از تربیت نیرو توسط موساد اسرائیل در کشورهای همسایه ایران برای جاسوسی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران خبر داده بود (<http://www.lefigaro.fr>).

به‌ترتیب، اسرائیلی‌ها پایه‌گذار انواعی از تروریسم از جمله تروریسم ضدعلمی هستند و سابقه طولانی در ترور دانشمندان مسلمان در تمام کشورهای اسلامی از جمله ایران دارند. البته سابقه این رژیم در ترورهای حسودانه و ردیالانه دانشمندان مسلمان در کشورهای مختلف اسلامی، ما را از استدلال بیشتر برای تأیید نقش آن در ترورهای ضدعلمی مستغنی می‌کند. اسرائیل همچنین به ترور چند دانشمند هسته‌ای ایران مانند اردشیر حسین‌پور، مسعود علی‌محمدی، مجید شهریاری، فریدون عباسی و مصطفی احمدی‌روشن از سوی دولت ایران متهم شده است. چند منبع اورپایی نیز دست‌داشتن موساد در این ترورها را تأیید کرده‌اند. از جمله روزنامه انگلیسی‌زبان ایندپندنت در مقاله‌ای تحت عنوان «کشنده‌ترین ترورکنندگان جهان» از موساد با نام «ماشین قاتل بی‌رحم اسرائیل» نام برده است و با برشمردن ترورها گفته‌است که «در همه این ترورها امضای سرویس مخفی اسرائیل دیده می‌شود.»

در ۲۱ دی ۱۳۹۰ صفرعلی براتلو دبیر شورای تأمین استان تهران ترور مصطفی احمدی‌روشن، مسئول بازرگانی سایت نطنز را منسوب به صهیونیست‌ها دانست. به‌دنبال این ترور سخنگوی ارتش اسرائیل در این باره گفت: «ما برای این قتل اشکی

نمی‌ریزیم.» شبکه‌ان‌بی‌سی از ترور ۴ دانشمند هسته‌ای از سال ۲۰۰۷ نام برد و به نقل از یک مقام آمریکایی، بدون فاش کردن هویت او، نوشت که حملات علیه دست‌اندرکاران برنامه اتمی ایران توسط اعضای سازمان مجاهدین خلق و با حمایت مالی، آموزشی و تسلیحاتی سرویس اطلاعاتی اسرائیل انجام شده است. مقام آمریکایی مذکور به ان‌بی‌سی گفته است که دولت آمریکا از عملیات ترور مطلع است، اما نقشی در آن ندارد.

به دنبال پخش اعترافات مجید جمالی فشی در تلویزیون ایران مجله تایم نوشت: «وزارت اطلاعات ایران، تیمی را که توسط موساد مجهز شده و آموزش داده شده نابود کرده است.» مقامات اطلاعاتی غربی، تأیید کردند که جزئیات اعتراف مجید جمالی فشی درباره ترور مسعود علی محمدی در ژانویه ۲۰۱۰ صحیح بوده است که توسط موتورسیکلت انجام شد. مقامات اطلاعاتی غربی کشور ثالثی را عامل لودادن این تیم اعلام کردند.

یک کارشناس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با تأکید بر محدود بودن توان این رژیم برای ضربه زدن به ایران در اقدامی نظامی گفت که تل‌آویو در پشت صحنه ترور دانشمندان ایرانی قرار دارد. «یوسی ملمان»، نویسنده، روزنامه‌نگار و کارشناس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در مصاحبه‌ای با شبکه خبری راشاتوری با ذکر اینکه نمی‌تواند منابع خود را فاش کند گفت که «برداشت ما این است که اسرائیل در پشت ترور دانشمندان ایرانی قرار دارد.» او در عین حال گفت که ایران «اولویت اول» برای دولت و دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی قرار دارد و برای رسیدن به اطلاعات در این کشور، رژیم صهیونیستی لزوماً جاسوسان خود را به ایران اعزام نمی‌کند بلکه «راه‌های دیگری برای جمع‌آوری اطلاعات وجود دارد» (<http://isna.ir/fa/news>).

یک رسانه صهیونیستی ضمن اشاره به خبر تلاش نافرجام موساد در ترور یکی از نخبگان هسته‌ای ایران، اعتراف کرد هدف موساد از این ترورها «کندساختن پیشرفت‌های هسته‌ای ایران» بوده است. روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» ضمن اشاره به خبر دو روز قبل که در آن تلاش جاسوسان موساد در ترور یکی از دانشمندان هسته‌ای ایران ناموفق ماند، به نقل از «دان راویو» خبرنگار شبکه خبری «سی‌بی‌اس‌نیوز» آمریکا به تلاش‌های گسترده موساد در ترور نخبه‌های هسته‌ای ایران اذعان کرد. براساس این گزارش، دان راویو که کارشناس امور اطلاعاتی اسرائیل است، تأکید کرد: موساد در سال‌های قبل در صدد توطئه و ترور دانشمندان ارشد هسته‌ای ایران بوده و هدف موساد از این اقدامات کاستن سرعت پیشرفت هسته‌ای ایران بوده است. این خبرنگار آمریکایی در گزارش خود از ترور 5 دانشمند هسته‌ای ایران از سوی موساد خبر داد و در ادامه گزارش خود مدعی وجود جاسوسان اسرائیلی در داخل ایران شد. راویو معتقد است که موساد تمام تلاش خود را به کار گرفته تا شاید مانع از پیوستن ایرانیان تحصیل کرده به برنامه‌های هسته‌ای ایران شود. در گزارش خبرنگار سی‌بی‌اس آمده است که نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از ترس دستگیری جاسوسان موساد در ایران و اعدام آن‌ها شخصاً دستور توقف عملیات ترور دانشمندان هسته‌ای ایران را صادر کرده است! گفتنی است که روزنامه صهیونیستی هاآرتص در حالی اقدام به انتشار این خبر کرده است که دو روز قبل معاون عملیات فرماندهی حفاظت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران از خنثی شدن طرح دشمن صهیونیستی در ترور یکی از دانشمندان هسته‌ای با حضور به موقع سربازان گمنام امام‌زمان (عج) خبر داده بود (روزنامه کیهان، 1393).



جان ساورز، رئیس سرویس امنیت خارجی انگلیس موسوم به «ام.آی.سیکس»، نیز در اقدامی بی سابقه در تاریخ صدساله بریتانیا در رسانه‌ها ظاهر شد و ضمن اعتراف به عملیات جاسوسی متعدد علیه ایران، در توجیه فعالیت‌های جاسوسی سازمان متبوع خود مدعی شده بود که دیپلماسی برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران کافی نیست و باید به فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی برای مقابله با ایران ادامه داد و تأکید کرده بود که فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی می‌تواند ایران را از ادامه فعالیت‌های هسته‌ای بازدارد (<http://www.farsnews.com>).

علاوه بر اسرائیل و انگلیس، آمریکا نیز نقش بارزی در مخالفت با برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران نشان داده است. چند هفته قبل از شهادت احمدی‌روشن یعنی در 22 نوامبر 2011 سه نفر از اعضای کمیسیون امنیت ملی کنگره آمریکا یعنی «پیترو کینگ»، «مایکل مک کول» و «پاتریک میهن» طی نامه‌ای از باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، خواسته بودند تدابیر لازم را برای ضربه زدن به مراکز اداری و نظامی، شخصیت‌ها و فضای سایبری ایران اتخاذ کند. آن‌ها این درخواست را در پاسخ به قضیه ساختگی تلاش ایران برای ترور سفیر سعودی در عربستان مطرح کردند (<http://homeland.house.gov>).

دولت ایران با ارائه برخی شواهد گفته کشورهای خارجی در این ترورها دست داشته‌اند و انگشت اتهام را به سوی اسرائیل و آمریکا نشانه رفته است. کتاب «جاسوس‌ها علیه آرماگدون: درون جنگ‌های مخفی اسرائیل» نوشته یک روزنامه‌نگار باتجربه اسرائیلی و همکار آمریکایی‌اش هم ظاهراً گفته‌های ایران را درباره نقش اسرائیل در این «جنگ مخفی» تأیید می‌کند.

در مجموع، اسرائیل و آمریکا به چند دلیل در صدر متهمان ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران قرار دارند:

1. از نظر اسرائیل و آمریکا ایران چالش‌های استراتژیک و ایدئولوژیک عمده‌ای را برای دولت غرب به همراه داشته‌است؛
2. زیان و ضرر اسرائیل و آمریکا از رشد و پیشرفت علمی تهران به اندازه هیچ کشوری نیست؛
3. سوابق تاریخی واشنگتن و تلاویو در ترور دانشمندان عراقی، مصری و سوری از دیگر عللی است که در این زمینه ذکر می‌شوند؛

4. علاوه بر مسائل فوق، سند مکتوبی از نامه سه نماینده عضو کنگره آمریکا به اوباما وجود دارد که نشان می‌دهد «پیترو کینگ»، «مایکل مک کول» و «پاتریک میهن» از اعضای کمیته امنیت ملی کنگره آمریکا، پیشنهادهای «استفاده از عملیات مخفی علیه تجهیزات، تأسیسات و مقام‌های ایرانی» را مطرح کرده و افزوده‌اند که باید از عملیات پنهان سایبری نیز برای تقابل با رژیم ایران استفاده کرد.

دولت ایران اعترافات افرادی را منتشر کرده است که می‌گویند عاملان ترور دانشمندان ایران هستند. رسانه‌های این کشور نیز در قالب فیلم‌های مستند و با استفاده از کلیپ‌های دوربین‌های امنیتی مخفی و صحنه‌های بازسازی شده، نشان داده‌اند که ترورها چگونه صورت گرفته است. دولت ایران می‌گوید عوامل ترور از اعضای مجاهدین خلق بوده‌اند، گروهی که برای تقریباً سه دهه است با دولت این کشور مبارزه می‌کند و در افشای برخی از جنبه‌های مخفی برنامه هسته‌ای ایران نقش ایفا کرده است. عاملان ترور نیز اعتراف کرده‌اند که توسط سازمان‌های اطلاعاتی اسرائیل و آمریکا آموزش دیده و با همکاری آن‌ها دست به ترور دانشمندان ایران زده‌اند.

## شهادت دانشمندان هسته‌ای ایران

طی سال‌های اخیر، دانشمندان ایرانی، بهای همکاری با برنامه هسته‌ای این کشور را با زندگی خود پرداخت کرده‌اند. حتی «جامعه فیزیک آمریکا» نیز پس از ترور دانشمندان هسته‌ای ایران در تهران بین سال‌های 2010 تا 2013 واکنش شدید به این اتفاقات نشان داد و در نامه‌ای سرگشاده، موج قتل‌ها را محکوم و روی «اعتقاد به اینکه علم می‌تواند برای ترویج صلح بین‌المللی استفاده شود» تأکید کرد.

شهیدان انرژی هسته‌ای که از اول انقلاب اسلامی تاکنون توسط سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و سازمان سیا به شهادت رسیده‌اند نمونه کوچکی از تلاش دشمنان این مرز و بوم برای حذف فیزیکی دانشمندان هسته‌ای است. از جمله این شهیدان می‌توان به شهید پرویز منشادی در سال 1357، شهید سیدعلی موسوی، شهید رمضان رستمی، شهید پرویز احمدی، شهید عنایت‌الله امینی، شهید علی‌اصغر حسین‌زاده احمدی، شهید محمدعلی مهدوی، شهید سیداحمد طیب‌زاده دزفولی، شهید محمود علی‌محمدی و شهید مجید شهریاری، شهید داریوش رضایی‌نژاد و شهید مصطفی احمدی‌روشن اشاره کرد. در این بخش به بررسی زندگینامه چهار شهید هسته‌ای از جمله شهید مسعود علی‌محمدی، شهید مجید شهریاری، شهید داریوش رضایی‌نژاد و شهید مصطفی احمدی‌روشن پرداخته می‌شود.

### دکتر مسعود علی‌محمدی، استاد فیزیک هسته‌ای ایران

سلسله‌تروورهای اندیشمندان ایرانی با شهادت یک استاد فیزیک آغاز شد. شهید مسعود علی‌محمدی متولد 3 شهریور 1338 استاد فیزیک دانشگاه تهران بود که در بامداد 22 دی 1388 و در سن 50 سالگی، به‌هنگام بیرون آمدن از منزلش بر اثر انفجار یک بمب کنترل‌ازراه‌دور از طرف موساد، ترور شد و به درجه رفیع شهادت نائل آمد. وی مدرک کارشناسی را از دانشگاه شیراز 1364، کارشناسی‌ارشد 1367 و دکترای فیزیک با گرایش ذرات بنیادی را از دانشگاه صنعتی شریف در سال 1371، کسب کرد. وی از نخستین دانشجویان دوره دکترای فیزیک در داخل ایران بود و نخستین شخصی بود که در ایران، موفق به دریافت درجه دکترای در فیزیک هسته‌ای شد. شهید علی‌محمدی همچنین از اولین دانشجویان دوره پسادکتر در پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بود. تخصص اصلی وی، ذرات بنیادی، انرژی‌های بالا و کیهان‌شناسی بوده است. او استاد رسمی دانشگاه تهران بود؛ ولی در دانشگاه‌های امام حسین (ع) و مالک اشتر نیز به تدریس مشغول بود. از درس‌های ارائه شده توسط وی، می‌توان به مکانیک کوانتومی و الکترومغناطیس، مکانیک آماری، ذرات بنیادی و نظری و میدان‌های کوانتومی اشاره کرد. همسرش با تأکید بر این که شهید علی‌محمدی هیچ کاری را بدون مطالعه و شناخت عمیق انجام نمی‌داد، درباره آخرین سفر حجی که با او به‌جا آورد، می‌گوید: «این سفر، بهترین هدیه معنوی از سوی همسرم بود؛ زیرا ماجرا و فلسفه تمام اعمال حج را به‌صورت لذت‌بخشی برای من بازگو می‌کرد و این، از بهترین لحظات عمرم بود.»

## دکتر مجید شهریاری، استاد مهندسی هسته‌ای ایران

فرودش بر فرش و عروج مظلومانه‌اش به عرش اعلی، مربوط به سال 1345 در زنجان و 8 آذر 1389 در تهران بوده است. گرچه خانواده وی مایل بودند که فرزندشان در زنجان دفن شود اما نهایت وی در امامزاده صالح تهران دفن شد. همسرش دکتر قاسمی، چنان از تواضع، فروتنی، رفتار و احوالات درونی، عبادت‌های شبانه و محبت‌های خالصانه نسبت به همسرش می‌گوید که دل هر شنونده‌ای را به درد می‌آورد.

این دانشمند فرزانه و استاد فیزیک هسته‌ای، توسط رژیم صهیونیستی، با همکاری منافقین در عملیاتی تروریستی در خیابان ارتش، درحالی‌که عازم دانشگاه شهید بهشتی بود، به درجه رفیع شهادت نایل شد؛ درحالی‌که همسرش دکتر بهجت قاسمی نیز همراه وی بود؛ اما او از این حادثه، جان سالم به در برد. وی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در زنجان، کارشناسی در رشته مهندسی الکترونیک را در دانشگاه صنعتی امیرکبیر 1368، کارشناسی‌ارشد در رشته مهندسی هسته‌ای را در دانشگاه صنعتی شریف 1371 و دوره دکتری مهندسی هسته‌ای را نیز در دانشگاه امیرکبیر 1377، به پایان رساند. وی استاد رسمی دانشگاه شهید بهشتی بود و بعد از چهار سال، به مرتبه دانشیاری و بعد از حدود هشت سال از زمان شروع کار که حداقل زمان لازم برای ارتقا به درجه استادی است به این مرتبه ارتقا یافت (<http://porseman.org>).

از دانشمندانی که با جان خود هزینه همکاری با دولت ایران را پرداخته‌اند. پرونده شهریاری وضعیتی متفاوت دارد، زیرا او به گفته بسیاری، مهم‌ترین فیزیک‌دان ایرانی بود که در «جنگ مخفی» اسرائیل علیه ایران کشته شد. منابع داخل دولت ایران او را به‌عنوان تأثیرگذارترین فرد در توسعه سریع توان ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم در این کشور ستایش می‌کنند. وی از جمله کارشناسان ارشد مبارزه با کرم رایانه‌ای استاکس‌نت بود.

یکی از طرح‌های مهم دکتر شهریاری، طراحی‌های تئوریک مربوط به ساخت نسل جدید راکتورهای هسته‌ای است که بازتاب زیادی نیز در مراکز علمی جهان داشت. برگزاری دوره‌هایی چون «کارگاه آموزشی آشنایی با کدهای محاسباتی راکتورهای هسته‌ای» از جمله سوابق دکتر شهریاری بوده است.

## دکتر داریوش رضایی‌نژاد، ستاره نوظهور در صنعت هسته‌ای ایران

فرودش کوتاه بود، اما ماندگار. وی در 29 بهمن 1356 در شهرستان آبدانان از شهرستان‌های استان ایلام به دنیا آمد؛ اما هنوز 35 ساله نشده بود که در اول مرداد 1390، توسط سرویس جاسوسی اسرائیل، موساد، مقابل چشم همسر و فرزند 5 ساله‌اش، آرمیتا، لیبیک شهادت گفت. ظرفیت هوشی بسیار زیاد داریوش رضایی‌نژاد، سبب شد که پیش از همکلاسی‌هایش تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه را به پایان برساند. وی در سال 1373 در رشته مهندسی برق، گرایش قدرت، در دانشگاه صنعتی مالک‌اشتر مشغول به تحصیل شد و در مدت 7 ترم با رتبه اول از مقطع کارشناسی، فارغ‌التحصیل شد و در سال 1378 در رشته مهندسی برق، گرایش قدرت دانشگاه دولتی ارومیه، در مقطع کارشناسی‌ارشد، مشغول به تحصیل شد. این شهید گران‌قدر در طول خدمت پربارش، چندین مقاله در حوزه تخصصی خود نگاشت و با وزارت دفاع، همکاری داشت و بسیاری از

طرح‌های تحقیقاتی را رهبری و اجرا می‌کرد. او در چند سال اخیر، مسئول اجرای بسیاری از طرح‌های تحقیقاتی در دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و خواجه‌نصیرالدین طوسی بود. وی دانشجوی دکترای دانشگاه خواجه‌نصیرالدین طوسی بود اما فرصت به‌پایان‌رساندن این مقطع تحصیلی را پیدا نکرد. همسرش می‌گوید: «داریوش، نیروی متخصصی بود که دباک فایل بعد از ترورش، او را به‌عنوان ستاره نوظهور در صنعت هسته‌ای ایران معرفی کرد.» اکنون که چهار سال از شهادتش می‌گذرد، همه او را به‌نام آرمیتا می‌شناسند. دردانه‌ای که حالا در غم فراق پدر، رهبر معظم انقلاب (مدظله) را پدر خویش خطاب می‌کند؛ تا شاید مرهم شب‌های تنهایی و بی‌پدری‌اش باشد.

## دکتر مصطفی احمدی‌روشن، مدیر بخش بازرگانی تأسیسات هسته‌ای نطنز

فرودش بر فرش هستی، مربوط به ۱۷ شهریور ۱۳۵۸ در همدان و عروج ملکوتی‌اش به عرش اعلی، مربوط به ۲۱ دی ۱۳۹۰ در تهران است. صبح روز حادثه، پس از خروج از منزل، توسط یک موتورسیکلت‌سوار با چسباندن یک بمب مغناطیسی به اتومبیل وی ترور شد. دکتر احمدی‌روشن تحصیلات دوره کارشناسی را در رشته مهندسی شیمی در دانشگاه صنعتی شریف (1381) به‌پایان رساند. وی دانشجوی دوره دکترای دانشگاه صنعتی شریف و از نخبگان این دانشگاه به‌شمار می‌رفت. این شهید که به‌عنوان استاد دانشگاه نیز فعالیت می‌کرد و چندین مقاله ISI به زبان‌های انگلیسی و فارسی داشت. وی در هنگام شهادت، معاون بازرگانی سایت نطنز بود. به‌گفته دوستان وی، مصطفی، شخصی شوخ و باصفا، ولایت‌مدار و در مدیریت، جدی و قاطع بود. این شهید بزرگوار از شاگردان آیت‌الله خوشوقت، استاد اخلاق تهران نیز بوده است (<http://porseman.org>).

بنابر گزارش‌های رسیده بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیش از شهادت دکتر احمدی‌روشن با وی دیدار داشته‌اند. وجود نام شهید احمدی‌روشن در لیست شورای امنیت و دیدار وی با بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گمانه‌زنی‌ها درباره رابطه اسامی موجود در لیست با ترورها را افزایش داده است. ترور وی در سالگرد ترور دیگر استاد فیزیک ایران، یعنی شهید مسعود علی‌محمدی، صورت گرفت. در این حادثه جان‌سوز، شهید رضا قشقایی (راننده شهید احمدی‌روشن) نیز همراه وی بود که در بیمارستان رسالت به درجه شهادت نایل شد. دوستانش می‌گویند: «شهید احمدی‌روشن، همیشه می‌گفت: دعا کنید من شهید شوم و اگر شهید شدید، دست مرا هم بگیرید.» این شهید عزیز با اینکه هنوز 32 بهار از عمرش نگذشته بود، به آرزویش در جوانی رسید. شایان ذکر است که تیم تروریستی سیا و موساد باعث به‌شهادت‌رسیدن این شهید بزرگوار بود.

## ویژگی‌های مشترک شهدای دانشمند هسته‌ای ایران

شهدای دانشمند هسته‌ای ایران، سند مظلومیت ایران اسلامی هستند. دانشمندانی که با ویژگی‌های مشترک، اهداف هماهنگ و تلاش‌های مستمر در مسیر زنده‌نگه‌داشتن چرخه هسته‌ای کشور گام برداشتند. اولین ویژگی مشترک این شهیدان وطن‌پرستی بود. آنان به‌رغم تهدیدهایی که می‌شدند، تازمانی که جانشان را فدا کردند و بزرگ‌ترین دارایی‌شان را در این راه تقدیم کردند، به وظیفه خود به بهترین شکل عمل کردند.

دومین ویژگی بارز این شهیدان، تعهد و مسئولیت‌پذیری آنان بود. همه این افراد تا پای جان، پای مسئولیتی که به آن‌ها محول شد، از هیچ کوششی دریغ نکردند و تا لحظه آخر ماندند و کار کردند و به پیشرفت علم و تکنولوژی این کشور کمک کردند. سومین ویژگی مشترک این شهیدان، تسلط بر علمشان بود. تمام آن‌ها از دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته دنیا پیشنهاد داشتند، اما به خاطر عشق و علاقه به وطن این پیشنهادها را رد کردند و ترجیح دادند که از تخصص خود برای کشورشان استفاده کنند. ویژگی چهارم این شهیدان که ویژگی بارز و علت شهادت آن‌ها بود، پیوندی بود که بین علم، تحقیق و عمل برقرار کردند. همه این افراد مقالات برجسته علمی پژوهشی در داخل و خارج کشور داشتند و از لحاظ بحث‌های علمی بسیار فعال و افراد قوی بودند اما با این حال این‌ها در حد تئوری باقی نماندند و این تئوری را به عرصه عمل درآوردند.

## اهداف رژیم صهیونیستی و غرب از ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

دشمنان ایران اسلامی به روش‌های غیرانسانی و وحشیانه همچون ترور دانشمندان هسته‌ای ایران متوسل شدند با این خیال خام که به دنبال ترور دانشمندان هسته‌ای، ایران بخشی از ظرفیت علمی خود را از دست داده و به این ترتیب مسیر پیشرفت هسته‌ای ایران کند و در نهایت متوقف خواهد شد.

طی چند سال گذشته حملات تروریستی علیه دانشمندان هسته‌ای ایران به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته و این اقدام به‌طور مکرر در فواصل چندماهه تکرار شده است. درحقیقت آمریکا و اسرائیل فرمولی کلی را برای مانع‌تراشی بر سر راه فعالیت‌های دانشمندان هسته‌ای ایران در پیش گرفته‌اند، فرمولی که اگرچه تکراری است اما تاکنون برای آن‌ها به‌منظور آزمایش برداشتن این دانشمندان مؤثر بوده است.

روند ترور دانشمندان علمی کشورمان در 6 سال گذشته دقیقاً از جایی شروع شد که یک مقام رژیم صهیونیستی و در ادامه آن مقامات آمریکایی اظهاراتی را مبنی بر ارائه راهکارهایی جز جنگ، برای توقف برنامه هسته‌ای ایران، انجام دادند. از سوی دیگر غربی‌ها معتقدند که اثرگذاری تحریم‌ها علیه ایران، نیازمند زمان است و در کوتاه‌مدت نه تنها اثر خاصی ندارد، بلکه حتی ممکن است اثراتی مانند افزایش قیمت نفت را به همراه داشته باشد که این افزایش قیمت به ضرر خود آن‌ها تمام خواهد شد. بنابراین، باید سرعت پیشرفت‌های هسته‌ای ایران کمتر از سرعت اثرگذاری تحریم‌ها باشد.

در همین زمینه آن‌ها به ترور دانشمندان ایرانی طی سال‌های اخیر روی آورده‌اند تا شاید به‌زعم خود بتوانند از این طریق خللی در مسیر پیشرفت هسته‌ای کشورمان ایجاد کنند، اما دستاوردهای روزافزون دانشمندان ایرانی در مسیر هسته‌ای نشان می‌دهد که این اندیشه آن‌ها نقش بر آب شده است.

به‌هرحال، هدف از ترور دانشمندان هسته‌ای ایران انتقال پیامی به جامعه علمی ایران و نیز ترساندن دانشمندان هسته‌ای کشورمان برای متوقف کردن همکاری آن‌ها با برنامه هسته‌ای تهران است. در تصور سرویس‌های امنیتی بیگانه همان‌گونه که از تعریف تروریسم و به‌ویژه نوع دولتی آن برمی‌آید ایجاد وحشت در میان مردم و به‌ویژه دانشمندان هسته‌ای کشور به‌منظور رسیدن به اهداف سیاسی مدنظر است. از منظر سیا و موساد، نیروهای متخصص ایرانی در بحث هسته‌ای به‌لحاظ تعداد محدود هستند؛ لذا این نهادها با همراهی مزدوران داخلی با ترور برخی از افراد مؤثر، به دنبال ایجاد جو ناامنی در میان دانشمندان کشور به‌منظور همکاری نکردن در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای هستند. به تعبیر دیگر، هدف اول نظام سلطه، نگران کردن دانشمندان

هسته‌ای کشورمان است. آن‌ها می‌خواهند به دانشمندان ما بفهمانند تامادامی که در این مسیر قدم برمی‌دارند باید نگران جانشان باشند و ازسوی دیگر هدف آن‌ها از انجام این ترورها القاء ناامنی در جامعه است. در مجموع می‌توان گفت ترور دانشمندان ایران دو هدف را دنبال کرده است: اولاً واردکردن تلفات به بزرگان هسته‌ای این کشور؛ دوماً تهدید سایر دانشمندان. این در حالی است که ترس و تیر نه تنها برنامه هسته‌ای کشورها را متوقف نمی‌کند، بلکه باعث ایجاد مخفی‌کاری‌ها و تأسیسات پنهانی بیش‌تر می‌شود. از طرف دیگر، منطق و تبادل ایده‌های علمی کمک خواهد کرد تا جهان مقابل بزرگ‌ترین خطرهای احتمالی ناشی از برنامه‌های هسته‌ای نجات یابد و شفافیتی ایجاد شود که لازمه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای چه در ایران و چه در کشورهای دیگر است.

## واکنش‌های مربوط به ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

واکنش‌ها به ترور دانشمندان هسته‌ای نه فقط در داخل ایران بلکه در بیرون از کشور، موجی از انتقادات گسترده از سیاست‌های ضدعلم جبهه استکبار را به دنبال داشت و باعث شد تا رهبران این کشورها مجبور شوند به‌ظاهر، این ترورها را محکوم کنند. محکومیتی که در کنار فرمان «جلوگیری از برنامه هسته‌ای ایران، به هر قیمتی»، حتی برای شهروندان همان کشورها نیز قانع‌کننده نبود و باعث رسوایی بیشترشان شد.

در داخل ایران نیز اگرچه طرح‌ها و برنامه‌هایی برای حفاظت بیشتر از این اندیشمندان طرح‌ریزی شد و محکومیت شدید اقدامات تروریستی یادشده توسط همه افشار و جریان‌های سیاسی کشور را به دنبال داشت، اما باعث شد تا اراده جوانان نخبه کشور برای ادامه‌دادن راهی که رهبر معظم انقلاب (مدظله) سال‌ها قبل از آن به «جنبش نرم‌افزاری» یاد کرده بودند، بیشتر شود تا بار دیگر همگان دریابند که علم پدیده‌ای نه قائم بر اشخاص است و نه توقف‌پذیر در برابر زورگویی و تهدید و ترور؛ بلکه آنچه دانشمندان ایرانی را به قله‌های بلند سرفرازی می‌رساند، ایمان قلبی به پیمودن راه سعادت است و همین ایمان امروزه خشم تروریست‌هایی را برافروخته که از طریق تروریسم کور دولتی، به‌زعم خود می‌خواهند با حذف فیزیکی دانشمندان کشورمان، ایران را از ادامه‌دادن راه استقلال‌طلبی منصرف سازند و البته خوب می‌دانند که نخبگان ایرانی به اجازه آنان پای به عرصه جهاد علمی ننهادند که اکنون بنابر خواست شرم‌آور بیگانگان، پا از میدان علم بیرون بگذارند.

## نتیجه‌گیری

ترور که نوعی آدم‌کشی با اهداف سیاسی یا عقیدتی است واژه‌ای نام‌آشنا برای جامعه ما به‌عنوان کشوری با بیشترین قربانیان ترور محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با بیش از 17 هزار شهید ترور، سند زنده‌ای از پشت‌پرده اقدامات وحشیانه مدعیان حقوق بشر از سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون است. باید گفت پیشرفت‌های روزافزون ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی و علمی و ایستادگی ملت ایران و به‌بن‌بست رسیدن استراتژی آن‌ها و استیصال در عرصه دیپلماتیک سبب شده دشمنان نظام پس از ترورهای کور اوایل انقلاب به ترور دانشمندان و نخبگان علمی کشورمان روی آوردند.

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران تنها هدف خود از غنی‌سازی اورانیوم را تولید سوخت اتمی لازم برای نیروگاه‌های اتمی و مصارف صلح‌آمیز عنوان کرده است، غرب و درصدر آن ایالات متحده آمریکا، هدف از تصویب تحریم‌ها علیه ایران را واداشتن این کشور به متوقف‌ساختن غنی‌سازی اورانیوم قرار داده است.

گرچه در ظاهر هدف آمریکا و غرب جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای در جهان به هر طریق ممکن است، اما اهداف سیاسی دخالت بسیاری در این امر دارد. به‌عنوان نمونه آمارهایی که به‌طور رسمی و غیررسمی از توان و میزان سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل پرده برداشته‌اند، حکایت از تلاش‌های پنهان و همه‌جانبه این رژیم برای تولید سلاح‌های کشتارجمعی دارد؛ اما تاکنون هیچ‌یک از دولت‌های غربی و سازمان‌های بین‌المللی به مقابله با برنامه‌های هسته‌ای آن نپرداخته‌اند (نجات، 1393: 149). از این رو بحران به‌وجودآمده درباره مسائل هسته‌ای ایران نیز بیش از آنکه از لحاظ فنی و حقوقی بررسی شود، به جریان و ائتلاف سیاسی به‌رهبری آمریکا علیه ایران تبدیل شده است که از روابط سرد و خصمانه تهران و واشنگتن بعد از انقلاب اسلامی نشئت می‌گیرد. درحالی‌که کشورهایی همچون هند، پاکستان و اسرائیل اتمی شده‌اند و کشورهایی چون کره جنوبی و برزیل در حال ورود به باشگاه اتمی هستند، فعالیت‌های ایران در این زمینه تحمل نمی‌شود.

آنچه براساس اسناد منتشرشده توسط سایت «ویکی‌لیکس» و همچنین سابقه رفتار غیرانسانی دستگاه اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل برمی‌آید، آن است که اسرائیل برای حذف رقبای خود به‌ویژه در زمینه تلاش کشورهای رقیب برای دستیابی به دانش هسته‌ای هیچ مسامحه‌ای از خود نشان نمی‌دهد. در این میان، یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که اسرائیل در خصوص برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفت ترور و حذف دانشمندان هسته‌ای ایران بوده است. این امر باید در کانون توجه مسئولین و سیاست‌گذاران باشد که انتشار اسامی دانشمندان اتمی ایران توسط آژانس بین‌المللی اتمی می‌تواند این دانشمندان را به سیبلی متحرک تبدیل کند. ترور دانشمندان هسته‌ای طی سال‌های 1388 تا 1392 علامت خطر مهمی است؛ زیرا این ترورها نیازمند تشکیلاتی منسجم است.

درنهایت باید گفت: دشمن تنها براساس تصویری غلط گمان می‌کند که با حذف فیزیکی دانشمندان ایرانی می‌تواند فکر و اندیشه آن‌ها را حذف و انقلاب اسلامی و برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز آن را متوقف کند؛ درحالی‌که با این‌گونه ترورهای کور ضمن رسیدن پیام مظلومیت دانشمندان و فرهیختگان ایرانی به گوش جهانیان، اندیشه دانشمندان ایرانی نیز بیش‌ازپیش تسری پیدا کرده و با افزایش فشارها سرعت و پیشرفت کشور شتاب بیشتری گرفته است؛ همان‌گونه که بخش عمده‌ای از پیشرفت‌های ایران در فناوری سانتریفیوژ و تأسیسات هسته‌ای بعد از ترور دانشمندان این کشور آغاز شد.

## منابع و مآخذ

- بهمن، شعیب، «انرژی هسته‌ای در ایران»، ماهنامه الکترونیکی تاریخ معاصر ایران (دوران)، 1386.
- «موساد عامل ترور دانشمندان هسته‌ای ایران است»، روزنامه کیهان، 16 دی 1393.
- مدنی، سیدمهدی، «جوخه‌های ترور موساد علیه دانشمندان هسته‌ای عراق»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، 1389.
- نجات، سیدعلی، «تسلیمات هسته‌ای اسرائیل و پیامدهای آن در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای، س 16، ش 1، 1393.
- <http://www.alahednews.com.lb/essaydetails.php?eid=50890&cid=76#.VY-OjBuqPHw>

<http://www.jpost.com/Defense/Article.aspx?id=252974>

<http://www.lefigaro.fr/international/2012/01/09/01003-20120109ARTFIG00640-l-iran-defie-l-amerique.php>

<http://homeland.house.gov/letter/letter-president-obama-irans-assassination-plot>

<http://isna.ir/fa/news/92013112885/%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D9%86%D8%A>

<http://porseman.org/showarticle.aspx?id=1023>